



# حقوق فرزندان

عقوق در اصل به معنای بریدن و شکافتن است. گویا کسی که رعایت حقوق واجبه پدر و مادر یا دیگران را نمی‌کند روابط را با آنها قطع کرده است.

از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: «بَلِّغُوا الْوَالِدِينَ مِنَ الْعُقُوقِ لَوْلَاهُمَا مَا بَلَّغُوا الْوَالِدَيْنِ مِنْ عَقُوقِهِمَا» همانگونه که پدر و مادر ممکن است مورد عقوق فرزند باشند و به اصطلاح فرزند عاق والدین شود فرزند نیز ممکن است مورد عقوق پدر و مادر باشد و آنها عاق او شوند.

و از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «بِرَّ الرَّجُلِ بَوَالِدَيْهِ» نیکی و احسان به فرزندان مانند نیکی و احسان به پدر و مادر است.

در روایت دیگر است: «اَكْرَمُوا اولادكم واحسنوا آدابهم يُعْفَرْ لَكُمْ». فرزند خود را گرامی بدارید و اخلاق خوب بیاموزید، خداوند گناهان شما را می‌آمرزد».

مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: به چه کسی احسان کنم؟ فرمود: به پدر و مادرت. گفت: آنها وفات کرده‌اند. فرمود: به فرزندان احسان کن.

و امثال این روایات فراوان است که نشانگر اهمیت و لزوم رعایت حقوق فرزندان در اسلام است.

حقوقی که در اسلام برای فرزندان ذکر شده بعضی از آنها از نظر فقهی واجب است و حتی از نظر حقوقی قابل پیگرد و تعقیب قانونی است و آن نفقه لازم او است و این اختصاص به فرزندان کوچک ندارد بلکه هر فرزندی واجب النفقه پدر و مادر است و هر پدر و مادری واجب النفقه فرزندان. ولی ترتیب و شرایطی دارد که در رساله‌های عملیه ذکر شده است.

اجمال مطلب آن که طبق فتوای حضرت امام در تحریر الوسیله بر انسان واجب است که در صورت تمکن، نفقه لازم فرزند را از

شک نیست که بزرگترین حق برعهده هر انسانی پس از حق خداوند، حق پدر و مادر است و لذا در آیات قرآن مکرر پس از دستور توحید در عبادت، احسان و نیکی به والدین مورد تأکید قرار گرفته است ولی اهمیت این مطلب نباید موجب شود که پدران و مادران حقوق فرزندان خویش را فراموش کنند و آنها را نادیده بگیرند. غفلت از این امر مهم موجب بروز مشکلات اجتماعی بسیار پیچیده‌ای می‌گردد که حل آنها نیاز به صرف وقت و هزینه فراوان دارد و شاید گاهی لاینحل بماند. مشکلات اجتماعی مانند بیماریهای شخصی را باید با پیشگیری از بروز آن جلوگیری کرد.

بدون شک قسمت اعظم هر جامعه‌ای را کودکان و جوانان تشکیل می‌دهند، گذشته از این که از نظر کیفی نیز قسمت عمده هر جامعه آنها هستند. بی‌توجهی به مسائل آنها به کل جامعه صدمه‌های غیرقابل جبرانی می‌زند. اکثر کارهای انسان نشأت گرفته از عوامل درونی است که پی‌ریزی آنها اکثراً در کانون خانواده است گرچه محیط مدرسه و جامعه و اطرافیان نیز بسیار مؤثر است ولی ریشه تحولات غالباً به عوامل تربیتی خانوادگی بر می‌گردد.

## اسلام و تربیت کودکان

روی این اساس دین مقدس اسلام اهمیت فراوانی به مسأله تربیت کودک داده است. و نه تنها در بدو ولادت که در ایام حمل بلکه قبل از آن و حتی در موقع اختیار همسر دستورات شارع مقدس اسلام بیشتر متوجه فرزندان آینده است که چه محیطی برای تربیت آنها به وجود خواهد آمد.

بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام، همان گونه که والدین بر انسان حقوقی دارند که باید رعایت شود و اگر نشد عقوق به حساب می‌آید، فرزندان نیز حقوقی دارند که عدم رعایت آنها عقوق است.



خوراک و پوشاک و مسکن در صورتی که او نیازمند باشد تهیه کند. فرزندان حقوق دیگری نیز دارند که گرچه در کتب فقهی بعنوان یک حق واجب ذکر نشده ولی از روایات، اهمیت آنها روشن و واضح است.

### نامگذاری فرزندان

یکی از این حقوق نام گذاری است که در روایات زیادی، انتخاب نام خوب برای فرزند مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. مردی از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله پرسید: این فرزند من چه حقی بر من دارد؟ فرمود: «تحتن اسمه وادبه و ترضه موضعاً حسناً». نام نیکو برایش اختیار کنی و او را اخلاق و آداب نیک بیاموزی و در جایگاه خوبی قرار دهی.

شاید منظور از جمله اخیر، احترام و گرامی داشتن فرزند یا به وجود آوردن محیط سالم برای زندگی او باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: «حق الولد علی الوالدان یحسّن اسمه و یحسّن ادبه و یعلّمه القرآن». حق فرزند بر پدر این است که نام خوبی بر او نهد و او را خوب تادیب و تربیت کند و قرآن بیاموزد و شاید قرآن بمعنی مصدری باشد یعنی خواندن بیاموزد.

و در روایتی دیگر از رسول اکرم صلی الله علیه وآله نقل شده است که فرمود: از حقوق فرزند بر پدر سه چیز است: نام خوب بر او نهد. و او را نوشتن بیاموزد و چون به سن بلوغ جنسی برسد برایش همسر اختیار کند.

از امام صادق علیه السلام منقول است که فرمود: «و ترضه للمولود علی والده ثلاث خصال: اختباره لوالده و ترضه له و ترضه له فی تادیبه».

سه چیز برای فرزند بر پدر واجب است که رعایت کند: ۱- در انتخاب مادرش دقت کافی بعمل آورد. و شاید منظور از «ترضه موضعاً حسناً» در بعضی روایات همین معنا باشد. ۲- نام او را از نامهای خوب انتخاب کند ۳- در تربیت و تادیبش کوشش کافی بنماید.

نامگذاری فرزند از مسائلی است که در اسلام به آن اهمیت فراوان داده شده است زیرا نام، عنوان شخصیت انسان است و اگر نامناسب باشد از نظر روانی تأثیرات سوء دارد. بطور کلی نامگذاری فرزند همیشه حکایت از گرایشهای جامعه دارد. در روایتی از امام رضا علیه السلام پرسیدند: چرا عرب نام فرزندان خود را بنامهای

سگ، پلنگ و یوز پلنگ و امثال آن می گذارند فرمود: عرب جنگجو بودند و با این نامها می خواستند دشمن را بوحشت بیاندازند.

در هر دورانی و در هر جامعه ای نوع خاصی از نامگذاری شایع می شود و همیشه حکایت از گرایشهای اجتماعی دارد. در دوران سیاه گذشته ایران سعی بر این بود که نامهای قدیم پارسی را در میان مردم ترویج نمایند. یکی از فرهنگهای اطلاعات عمومی چند صفحه بنامهای دختران و پسران اختصاص داده است که همه از همین قبیل است: هوشنگ و فریدون و... برای پسران و شهنواز و مهناز و... برای دختران!!

ائمه اطهار علیهم السلام نیز بهمین دلیل مردم را از بعضی نامها منع کردند با اینکه در اصل معنای نامناسی ندارد ولی چون حکایت از شخصیتهای بدسابقه ای می کند آنگونه نامها منع شده است مانند حارث و خالد و حکم و اباالحکم و امثال آنها. و در روایت است که رسول خدا صلی الله علیه وآله نام اشخاص و شهرها را اگر زشت بود تغییر می داد و می فرمود: نام خوب اختیار کنید که روز قیامت شما را بهمین نامها می خوانند. امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: اولین احسان پدر بر فرزند این است که نام خوبی برای او انتخاب کند.

### بهترین نامها:

ملق روایات اهل بیت علیهم السلام راست ترین نام آن است که مشتمل بر عبودیت خداوند باشد مانند عبدالله و عبدالرحیم و عبدالرحمن و افضل نامها نام پیمبران است و از همه برتر نام رسول خدا صلی الله علیه وآله است. واضح است که نامهایی مانند عبدالله و عبدالرحیم و عبدالکریم و امثال آن که معنای همه آنها بنده خدا است راست ترین نامها است زیرا نامهای دیگر ممکن است مشتمل بر مذمت یا مدح باشد و کودک هنوز هیچ لیاقتی از خود نشان نداده که مستوجب مدح یا ذم باشد ولی بنده خدا بودن واقعیتی است که برای همه کس از ابتدا ثابت است.

و اما نامهای پیامبران مانند ابراهیم، موسی، عیسی، داود، سلیمان و بخصوص نام مبارک پیامبر گرامی اسلام «محمد» صلی الله علیه وآله وسلم و همچنین ائمه اطهار علیهم السلام و بخصوص نام «علی» که یادآور شخصیت والای امیرالمؤمنین علیه السلام است از این رو بهترین نامها است که:

۱- فرزند را بیاد عظمت و فداکاری و قدس و تقوی آنان انداخته و او را ناخود آگاه بسوی پاکی سوق می دهد. بر خلاف نامهایی مانند چنگیز





می گذارند و این نیز صحیح نیست و بطور کلی این لقب حکایت از یکی از خصائص آن حضرت می کند و اطلاق آن بر دیگران حتی بعنوان تیمن و تبرک نیز نامناسب است.

بعضی از افراد نامهای مخصوص خداوند یا صفات مخصوص الهی را بر فرزندان خود می گذارند و این نیز ناشی از عدم آشنائی به زبان عربی است مانند نامهای کریم، رحیم، رحمن، عظیم، جبار و امثال آن که در اصل نام اینها عبدالرحیم، عبدالرحمن و... است بخصوص نام رحمن که علم ذات مقدس الهی است و بر غیر او هرگز اطلاق نمی شود. و همچنین نامهایی مانند نبی، رسول که در اصل عبدالنبی و عبدالرسول است.

بعضی از آن فراتر رفته و راهی برای توجیه نیز نگذاشته اند و بر فرزند خود نام نبی الله می گذارند!! گویا هر کلمه ای را به الله اضافه کنند می شود نام اسلامی مناسب و لذا نامهایی از قبیل آیت الله، حجت الله، بیت الله (یعنی خاتمه خدا) و امثال آن انتخاب می کنند! بلکه شنیده شده است بعضی بر فرزند خود نام الله را می گذارند که این دیگر به هیچ وجه قابل توجیه نیست.

نامهای نامناسب برای فرزند از چند جهت موجب ناراحتی می شود:

۱- اگر نام قابل تلفظ به سادگی نباشد و هر کس او را به نحوی صدا کند از نظر روانی اثر سوء دارد و ممکن است موجب احساس دوگانگی در شخصیت خود بشود.

۲- اگر نام معنای واضحی نداشته باشد ممکن است موجب احساس بی شخصیتی و پوچی بشود. یکی از برادران طی نامه ای از ما می پرسید که معنای نام او چیست؟ و ما هرچه در فرهنگها جستجو کردیم معنایی برای آن نیافتیم. واضح است که او از بی معنا بودن نام خویش رنج می برد که به ما متوصل شد.

۳- بعضی از نامها در میان مردم موجب سراقندگی است. نامهایی که معانی زشت دارد و بدلیل بعضی اعتقادات خرافی بر فرزندان خویش می گذارند بخیال اینکه اگر چنین نام نهند زنده می ماند غالباً در مواردیکه فرزندان پیشین خود را از دست داده اند چنین نامهایی انتخاب می کنند.

۴- نامهایی که یادآور شخصیتهای خونخوار یا متجبر و زورگو باشد انسان را ناخودآگاه بسوی همان صفات سوق می دهد گویا آناترا الگوی خویش قرار می دهد. هرگاه که بنام خود توجه می کند توقع همان صفات را در خود دارد.

بقیه در صفحه ۵۱

و صدام که یادآور خونخواری و آدمکشی است که بطور طبیعی در فرزند انگیزه قساوت و شقاوت بوجود می آورد و همچنین نام شخصیتهای خیالی که در افسانه هائی همچون شاهنامه و امثال آن آمده است که اگر تأثیری در روحیه فرزند داشته باشد او را به گردنکشی و طغیان و تجبر و تکبر وامی دارد.

۲- نشانگر علاقه و محبت انسان به آن شخصیتهای ارزنده تاریخ بشریت است. طبیعی است که انسان با گذاشتن نام افراد مورد علاقه خویش بر اولاد و شهرها و خیابانها و مغازه ها و امثال آن سعی در زنده نگه داشتن نام آن شخصیتها دارد. در روایت است که شخصی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: پسری برایم متولد شده است او را چه نام بگذارم؟ فرمود: محبوبترین نامها نزد من حمزه است.

به احتمال قوی این ولادت پس از شهادت جناب حمزه علیه السلام بوده است و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با این پیشنهاد خواستند که نام آن حضرت با نام گذاری مردم مورد توجه بیشتر قرار گیرد.

و همچنین در روایات فراوانی تأکید بر این شده است که تا حد مقدور از نام «محمد» استفاده شود. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: هر کس سه پسر داشته باشد و یکی از آنها را محمد نام نهد بر من جفا کرده است.

و در روایتی دیگر: «راوی از امام می پرسد که ما نام شما (اهل بیت) را بر فرزندانمان می گذاریم آیا این کار (که دلیل علاقه است) برای ما نفعی دارد؟ فرمود: آری! بخدا قسم.

و همچنین در مورد دختران در روایات آمده است که نام «فاطمه» بر آنها بگذارید. حضرت زهرا سلام الله علیها دارای القاب بسیار جالب و نیکو است و می توان برای دختران نیز از آن نامها استفاده کرد مانند: زهرا، طیبه و طاهره و امثال آنها.

### نامهای نامناسب

مناسب است در اینجا تذکری داده شود و آن اینکه بعضی از افراد بدلیل عدم آگاهی از معانی الفاظ عربی نامهایی را از پیش خود اختراع می کنند که معنای مناسبی ندارد. مثلاً کلمه (سیده الزهرا) را نام می گذارند در حالیکه معنای آن با ملاحظه اضافه کلمه سیده به زهرا نامناسب است گویا که او بر حضرت زهرا برتری دارد که سیده او است. بعضی لقب (الانسیه الحوراء) را که از القاب حضرت زهرا سلام الله علیها است تقلید می کنند و تنها نام انسیه یا حوراء



دارد سخن می گوید در هفته جاری نیز از احزاب مخالف خواسته تا نسبت به یک لایحه در مورد مسلمانان که ظاهراً برای جلب رضایت آنها است تشکیل جلسه دهند. دلیل این امر این است که رای مسلمانان همیشه در انتخابات سراسری نقش مهمی داشته شاید ایندپندراگاندی تا حد زیادی بر این امر واقف بود و با توجه به نقشی که مسلمانان در استقلال هند داشتند سعی در جذب قلوب مسلمانان داشت و حزب کنگره در دوره های قبل حتی بعنوان مسلیک هم شده گاهاً ریاست جمهوری (هر چند که نقشی تشریفاتی داشته و دارد) را از میان مسلمانان انتخاب می کرد. ذاکر حسین و فقیرالدین علی احمد از آن جمله بودند. اما این رسم نیز ظاهراً منسوخ گردیده و چند سالی است که بمنظور تجنب سبکها یک نفر سبک بر ریاست جمهوری برگزیده شده بهتر است اگر حزب کنگره نیز علاقه ای به جامعه اسلامی نشان میدهد بیشتر برای جلب آراء موافق آنهاست.

### عامل امید بخش

خوشبختانه در این میان یک عامل مهم که مایه

امیدواری جهان اسلام میباشد به مسلمانان هند دلگرمی و امید میدهد و آن انقلاب شکوهمند اسلامی ایران است. آثار این انقلاب در بیداری مسلمانان هند را در چند سال گذشته میتوان از لایحی خطوط و علائم خشنود کننده ای در میان جامعه مسلمانان و نوشته ها و گفته های مسلمانان آن کشور مشاهده کرد. آثار پدیدار گشته و علاقه به تشکیل اجتماعات، انجمنها، برگزاری کنفرانسها، سمینارها متعدد و بیش از گذشته است. یادآور میشود که در گذشته جامعه مسلمانان که امکان تظاهرات وسیع نداشتند فقط شرکت وسیع و همه جانبه در نمازهای عید سعید فطر فرصت مختصی برای آنها برای نشان دادن ناخشنودی خود از دولت بود و این امر به همدار به دولت قدرتهای ضد اسلامی تعبیر میشد.

اینک سمینارها، کنفرانسها و نشستهای متعدد میشوند بیانگر اعتراضات و نقطه نظرات آنان باشد. این سمینارها و نشستها بیشتر بمنظور بالا بردن صدای اعتراض مسلمانان در مقابل حق کشی های مسلمانان و نیز حفظ هویت اسلامی است. بعنوان نمونه در سمیناری که اخیراً وسیله مسلمانان ترتیب

داده شد گفته شد دولتی که مدعی آزادی است در صدد نابود ساختن مسلمانان بوده و در موضعگیری علیه مسلمانان تردیدی بخود راه نمی دهد. سمینار هشدار داد در صورتیکه این روند ادامه یابد مسلمانان اعتماد خود را به سیستم کاملاً از دست داده و بدولت هشدار میدهند که در این صورت مجبورند پارلمان مجالس انتخابات و تمام سیستم سنگر و فاسد را تحریم کنند.

با توجه باینکه مقدمات بیداری مسلمانان در شبه قاره کم و بیش فراهم آمده و انقلاب اسلامی ایران میتواند چراغ قهر راه این بیداری باشد لذا جمهوری اسلامی ایران میتواند با ایجاد ارتباط بیشتر با مسلمین شبه قاره و توسعه آن نقش بسیار سازنده ای در نجات مسلمانان آن ایفا نماید در سایه حمایت و هدایت جمهوری اسلامی مسلمانان هند میتوانند در حلقه اول هویت اسلامی خود را که اکنون کوشش برای حفظ آن آغاز گردیده بکمال برسانند و در حلقه بعدی با آگاهی از تواناییهای خود و قدرت اسلام، نقش مؤثر و سازنده خود را در هم قدرت و جاهگاه رفیع خود و اسلام را در آن کشور بزرگ و در میان جمعیت چند صد میلیونی هند بیابند.

### بقیه از بررسی آیه ميثاق

دنيا آگاهی دارند و از آخرت بی خبرند. و رابطه این دو با هم رابطه دو عالم در عرض یکدیگر نیست بلکه ارتباطشان ارتباط درون و بیرون است مانند رابطه لباس با آستر آن، و این باطن که عالم آخرت است، عالم حیات است نه جماد «وَأَنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» حقیقت که سرای آخرت عالم حیات است، اگر آگاهی می یافتند.

آنگاه همین مفسر می افزاید: تسبیح سنگریزه ها در دست مبارک رسول اکرم صلی الله علیه وآله به آن زبانی بود که روز قیامت هر موجودی سخن می گوید «بومئذ تحدث أخبارها». در آن روز زمین اخبارش را بازگویی نماید. میرداماد پس از نقل این نظریه به رد آن نمی پردازد که احتمالاً دلیل رضا و قبول ایشان است.

- ۱- سوره فصلت آیه ۱۱
- ۲- سوره روم آیه ۷
- ۳- سوره عنکبوت آیه ۶۴

### بقیه از حقوق فرزندان

۵- نامهایی که مناسب کودکی و ظرافت آن دوران است همیشه انسان را کوچک و پرتوقع و به اصطلاح لوس جلوه می دهد و شاید موجب بروز این صفات در او نیز بشود.

۶- بعضی از نامها ممکن است در بعضی از جامعه های دیگر بخصوص کشورهای عربی که باین الفاظ آشنا هستند موجب تنفر و حتی بر خورد خصمانه شود. شخصی که نام او نبی الله بوده از قرار مسموع در یکی از ادارات دولتی یک کشور عربی به این مسأله برخورد کرده است و کارمند عرب حاضر نشده کار او را انجام دهد تنها دلیل تنفر او از اینکه کسی خود را پیامبر خدا بداند. و حق هم با همان کارمند است. و همچنین دیگری که نام او اسرائیل است نیز گرفتار چنین وضعی شده است.

خلاصه شکی نیست که نام معنوی و معرف شخصیت انسان است. پدر و مادر باید دقت کافی بعمل آورند و نام مناسب برای فرزند خویش انتخاب کنند. نامی که یادآور شخصیتهای محبوب در جهان اسلام است و می تواند او را وادارد که آناترا الگوی خویش قرار دهد و از آنان در زندگی پیروی نماید و از سوی دیگر در برابر دوستان و آشنایان و دیگران احساس شجاعت و شرمندگی نکند بلکه نام برای او یک زینت و مایه افتخار باشد.